



**عقلانیت؛**  
 بحثی در مبنای جامعه‌شناسی توسعه  
 حسین رحیم پور از غدی  
 انتشارات «طرح فردا»  
 ۱۳۱ صفحه

## قمار بازی با چشمان بسته

نگاهی به کتاب «عقلانیت؛ بحثی در مبنای جامعه‌شناسی توسعه»

کسری صادقی زاده

«عقلانیت؛ بحثی در مبنای جامعه‌شناسی توسعه» که در واقع یک مقاله بلند برای ارائه به نخستین «همایش اسلام و توسعه» در اواسط دهه هفتاد شمسی بوده، توسط حسن رحیم پور از غدی در دو فصل و ۱۳۱ صفحه به رشته تحریر درآمده است. این کتاب هم‌اکنون توسط انتشارات «طرح فردا» ناشر اختصاصی آثار وی منتشر می‌شود اما پیش از این نیز توسط مؤسسه دانش و اندیشه معاصر به چاپ رسیده است. هدف اصلی نویسنده وارد آوردن نقدهایی بر بنیان‌های عقلانیت ابزاری در اندیشه غرب است. نگارنده سعی کرده تا با تمرکز بر اندیشه‌های دو تن از محققان غربی یعنی «ماکس وبر» و همچنین «ویلفردو پاره‌تو» به توضیح مفهوم عقلانیت ابزاری در نگاه این دو و ارائه مباحث تطبیقی با اندیشمندان دیگری نظیر دکارت، اسپنسر، دورکیم، زیمل، کانت و... بپردازد. از غدی با اتخاذ رویکردی انتقادی-اسلامی و بررسی میزان دقت به کاررفته در مفهوم عقلانیت و کنش منطقی در رفتار اجتماعی-اقتصادی (به عنوان یکی از اصول موضوعه سرمایه‌داری) و همچنین شناسایی مشکلاتی نظیر مکانیکی، جزمی و غیرارزشی بودن عقلانیت در غرب و توجه

بیش از حد به اصالت سود و لذت، توجیه‌گری وسیله برای نیل به هدف، محاسبه‌گری مؤلفه‌های صرفاً مادی، انقطاع عقل نظری و عملی از یکدیگر و کوتاه‌اندیشی این رویکرد، در پی شالوده‌شکنی از بنیان‌های معرفتی این اندیشه برآمده است. به عنوان مثال از نگاه نویسنده، پاره‌تو به جز رفتار اقتصادی یک سوداگر که نوعی مهندسی مصالح اقتصادی برای سود بیشتر فردی اما بدون هیچ شرط اخلاقی و عقلی است، سایر رفتارهای بشری را کنش‌های غیرمنطقی می‌داند و اساساً مباحث جامعه‌شناسی خود را حول محور «رفتارهای غیرمنطقی اجتماعی» سامان داده است و بحث از عمل منطقی را بحثی اقتصادی

(و نه جامعه‌شناختی) می‌داند. به عبارت دیگر وی در باب «هدف‌گذاری عقلاانه» در تئوری «کنش منطقی» خود، دچار سهل‌انگاری گسترده‌ای گردیده است. مؤلف در جای دیگر با اشاره به مبحث «هدف نامشروط» می‌گوید: این امر که معلوم نیست چه مبلغی از منافع واقعی «فاعل» را تأمین می‌کند و چه نسبتی با اهداف نهایی تر و کلان‌تر او دارد، در واقع از انسان نه محاسبه‌گری جامع‌اندیش و متأمل بلکه قماربازی می‌سازد که دقیقاً نمی‌داند با هر تصمیم، چه چیز می‌بازد و چه چیز به دست می‌آورد و این از مهم‌ترین اشکالات عقلانیت غربی در قرائت «پاره‌تویی» و «وبری» است. با معیارهای پاره‌تو، کنش عقلانی خالص به‌ویژه در مراودات و مبادلات اجتماعی بسیار نادر بلکه معدوم است؛ زیرا اگرچه محاسبه کمی و عددی قابل آزمون است، اما کدام تصمیم انسانی است که تماماً کمی و عاری از افق فکری و نوع نگاه فرد تصمیم‌ساز باشد؟ نتیجه این است که با آزمون تجربی صرف نمی‌توان از عهده کلیه محاسبات رفتار انسانی برآمد. از منظر رحیم پور از غدی، یک رفتار در یک پروژه کوتاه‌مدت، ممکن است عقلانی به نظر برسد اما در یک پروژه طولانی‌تر و جدی‌تر، همان عمل به شدت با هدف والا تر (سعادت و کمال) نامتناسب است و دعاوی دینی و حکمی را از بحث کنار می‌گذارد. از این حیث باید گفت که عقلانیت وبری، هم طولاً و هم عرضاً ناقص است؛ زیرا روند حیات جاوید بشر را در نظر نمی‌گیرد و نیز از ابعاد گوناگون حیات دنیوی، تنها به برخی از مسائل موجود اکتفا می‌کند و عقلانیت او، عملاً تبعیض‌دار می‌شود. بر این اساس ابزاری شدن اندیشه نیز که رکن دیگر عقلانیت «وبری» است، هیچ اشاره مؤکد و دقیقی به محتوای آن ندارد و از بهینه‌سازی «ابزار» جهت حرکت از «وضع موجود» به «وضع مطلوب»، صرفاً کنش بروکراتیک را مدنظر دارد. وقتی از «خردگرا کردن» اخلاقیات هم سخن به میان می‌آید،



باز مربوط به گزینش غیرعقلانی میان اهداف ارزشی غیرعقلانی است؛ زیرا «وسیله» ممکن است عقلانی باشد اما اهداف اخلاقی، همه غیرعقلانی‌اند. این مشکل به‌طور مؤکدتری در نظریه «پاره‌تو» نیز به چشم می‌خورد. نویسنده در ادامه نتیجه می‌گیرد که در توسعه غربی، نه عدالت، نه سعادت و کمال و عبودیت، هیچ‌یک بار مفهومی علمی ندارند و نمی‌توانند به عنوان راهبرد جامعه‌سازی و توسعه، تعقیب شوند؛ زیرا چنانچه گفته شد کلیه اهداف، غیرعقلانی و خارج از حوزه عقلانیت بشری‌اند. برای نمونه الگوی نظری پاره‌تو قائل است که امیال انسان، رفتار و حتی عقاید وی را شکل می‌دهد اما در الگوی عقلانیت دینی، عقاید انسان، امیال وی را شکل می‌دهد و رفتار وی خروجی این امیال و عقاید خواهد بود. انسان منطقی در عقلانیت دینی، چنین انسانی است؛ بی‌آن که تمایلات، احساسات و نیازهای طبیعی دست‌کم گرفته شود. بر این اساس، رفتار انسان مؤمن به خدا و معاد را باید رفتاری کاملاً منطقی و ناظر به واقعیات (مادی و غیرمادی) عالم، تلقی کرد. «کفر» را نیز اساساً به این دلیل «کفر» خوانده‌اند که به معنی واقع‌بین نبودن و لاپوشانی بخشی مهم از واقعیات و حقائق حیات انسان است. با این حساب، بسیاری از رفتارهای کافران با تأملی کلان‌تر،

کنش‌هایی سرتاسر غیرمنطقی است که منطقی، نمایش داده می‌شود و این نکته را باید به حساب اعترافی مهم از جامعه‌شناسی توسعه غربی-سرمایه‌داری در آغاز قرن بیستم گذارد که هم عمل و هم نظریه را تابع نفسانیت و تمایلات خودخواهانه انسان سرمایه‌داری و جامعه لیبرال می‌داند. از غدی در نهایت به ارائه مدل بدیل اسلامی برای عقلانیت در سه سطح کلی می‌رسد: شناخت فلسفه حیات و موقعیت استثنایی انسان در آن و شأن عقل در تنظیم رابطه انسان با جهان و با خداوند؛ جایگاه عقل در تنظیم روابط انسان‌ها و معماری ارزش‌ها و اخلاقیات؛ نقش عقل در مهندسی و اندازه‌گیری، پیش‌بینی و محاسبات معیشتی جهت نیل به اقتصاد شکوفا و تمدنی آباد و مرفه. البته در جامعه‌سازی اسلامی، ممکن است از روش‌های «حسابگرانه سرمایه‌داری» و یا شیوه‌های «سوسیالیستی توسعه» و از کلیه تجربیات عام و مشترک عملی بشر نیز بهره گرفته شود. عنصر «اجتهاد» و «ولایت فقیه» راه این بهره‌گیری را در جبهتی متفاوت و با هدف و ماهیتی دیگرگون و در پروسه عقلانیتی شامل تر -که انسان را در ابدیت و به مثابه موجودی متکامل، مسؤول، شریف و جاودانه، مطالعه می‌کند- فراهم می‌آورد. بر این اساس اگرچه «تمدن معطوف به لذت» با «تمدن معطوف به کمال» مشترکات بسیاری (به‌ویژه در زمینه عقلانیت ابزاری) دارند، اما رو به دو قیله دارند و مفروضات و ملزومات آن‌ها متفاوت است. این دو همچنین معیارها و آرمان‌هایی متفاوت دارند، تعریف مصلحت و منافع فردی و ملی و سود و زیان و بلکه تعریف انسان و حیات نیز در افق این تمدن‌ها، دو تا است. به‌طور کلی بازیابی روحیه اعتماد به نفس اندیشمندان مسلمان و طرح مباحث انتقادی-اسلامی و تلاش برای خروج از چهارچوب‌های رایج اثبات‌گرایانه (پوزیتیویستی) برای طرح مسأله به همراه اشراف کافی بر اندیشه متفکران غربی و نیز تولید واژگان و مفاهیم جدید نوین دینی از نقاط قوت نویسنده و کتاب مذکور به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر مشکلات شکلی کتاب نظیر فقدان ارجاعات درون‌متنی به‌ویژه درباره احادیث متعدد منقول از ائمه اطهار علیهم‌السلام و ایجاز بیش از حد در طرح برخی از مباحث و اندیشه‌های غربی، به همراه کاربرد اصطلاحات فراوانی از علوم اجتماعی به جای معادل فارسی آن‌ها، از عمده‌ترین نقاط ضعف این کتاب شمرده می‌شود.

«دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)»